

# آنچه که امروز به عنوان اختلاف می شناسیم پیش از آنکه مباحث عقیدتی باشند مباحث تاریخی اند

دانش‌آموختگان دانشگاه مذاهب اسلامی پس از فراغت از تحصیل، به دلیل نوع آموزه‌هایی که در دانشگاه مذاهب اسلامی با آن آشنا شده‌اند، در هر محیطی که قرار بگیرند، به نوعی متأثر از این آموزه‌ها خواهند بود. «گفتگوی با دانش‌آموختگان» می‌کوشد تا کارکرد فرهنگ تقریب در تغییر دیدگاه‌های دانش‌آموختگان دانشگاه و آشنایی آنان با فضای صمیمیت و مهر را مورد بازبینی قرار دهد، از وضعیت فعلی آنان مطلع شود و یاد آور خاطرات شیرین دوران تحصیلشان باشد.

- به عنوان اولین سؤال بفرمایید؛ چه طور شد که با دانشگاه مذاهب اسلامی آشنا شدید؟

دانشگاه مذاهب اسلامی را از طریق دفترچه راهنمای انتخاب رشته آزمون سراسری سال ۱۳۷۸ شناختم جالب اینکه بعد از تحویل فرم انتخاب رشته در راه برگشت به منزل به دلم افتاد که یک بار دیگر کد رشته‌های انتخابی را بررسی کنم اینجا بود که متوجه شدم کد رشته تاریخ اسلام مجتمع عالی علوم و معارف اسلامی (نام اولیه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گفتگو با دانش‌آموختگان

گفتگو با مهدی جمالی فر  
دانش‌آموخته رشته تاریخ اسلام ورودی ۷۸  
کارشناس ارشد تاریخ اسلام از دانشگاه تهران



دانشگاه مذاهب اسلامی) را اشتباه وارد کرده ام به محل تحویل فرم برگشتم و کد آن را اصلاح کردم و در این رشته پذیرفته شدم. البته بنده در سال ۱۳۷۷ علی‌رغم کسب رتبه نسبتاً مناسب (۳۴۰۰ علوم انسانی) در رشته حسابداری دانشگاه پیام نور واحد نیشابور پذیرفته شده بودم و زمان اعلام قبولی در دانشگاه مذاهب اسلامی در آغاز ترم سوم رشته مذکور مشغول تحصیل بودم.

#### – در حال حاضر مشغول چه برنامه و فعالیتهای هستید؟

پس از فراغت از تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه تهران در نیمه دوم سال ۸۵، دوران خدمت سربازی را تا مهرماه سال جاری در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران به عنوان مسئول کلاسها و برنامه ریزی آموزشی فعالیت می‌نمودم. پس از پایان دوران خدمت اکنون به عنوان مدیر نشر مکتوب کانون اندیشه جوان (وابسته به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) مشغول به فعالیت هستم.

#### – چه شد به رشته تاریخ علاقه مند شدید؟ به غیر از رشته تاریخ به چه رشته‌ای دیگر علاقه دارید؟

مرحوم پدر بزرگم خاطرات زیادی از دوران احمد شاه قاجار، رضا و محمد رضا پهلوی به یاد داشت. دو بار هم در دوره رضا خان به جرم نگذاشتن کلاه پهلوی به زندان افتاده بود. هرگاه که به منزل ما می‌آمد با شوق و ذوق در کنار او نشسته و به خاطرات او گوش می‌دادم حتی در ۱۳ سالگی دفترچه‌ای آماده کرده بودم و آنها را می‌نوشتم. پدرم نیز ماجراهای زیادی را از زندگی پیامبر(ص) و ائمه (ع) برای ما نقل می‌کرد. در دوره دبیرستان و پیش دانشگاهی توفیقی که نصیب من شد این بود که دبیران تاریخ باسواد داشتیم. دبیر درس تاریخ شناسی دوره پیش دانشگاهی ما آقای طاهری بودند که در آن زمان دانشجوی دکتری رشته تاریخ ایران بودند، با تشویق و راهنمایی ایشان در همان سال درباره فرقه اسماعیلیه که در یکی از روستاهای اطراف نیشابور ساکن بودند، مقاله‌ای تهیه نمودم. سؤالهای زیادی که در ذهن من درباره تاریخ و به ویژه تاریخ اسلام وجود داشت مرا به این رشته علاقه مند نمود، غیر از تاریخ نیز به رشته‌های زبان و ادبیات فارسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و فلسفه علاقه دارم.

#### – یکی از هدفهای مطالعه تاریخ، پند گرفتن از عبرت‌ها است؛ آیا تا حالا شده که این عبرت‌ها در پیشرفت زندگی روزمره شما تأثیر بگذارد؟

بنا به قول یکی از بزرگان «مردم چون تاریخ نمی‌دانند، حوادث تلخ تاریخی تکرار می‌شوند» اما نکته‌ای که باید به آن افزود این است که صرف دانستن تاریخ هم تا زمانی که با تدبیر همراه نگردد و عبرت آموزی از آن حاصل نشود، نمی‌تواند کار ساز باشد. تاریخی که ما می‌خوانیم گرچه مربوط به دیروز است اما می‌تواند پلی باشد جهت پیوند با امروز و فردا چرا که امروز همان فردایی است که دیروز منتظرش بودیم.

بنا به قول یکی از بزرگان «مردم چون تاریخ نمی‌دانند، حوادث تلخ تاریخی تکرار می‌شوند» اما نکته‌ای که باید به آن افزود این است که صرف دانستن تاریخ هم تا زمانی که با تدبیر همراه نگردد و عبرت آموزی از آن حاصل نشود، نمی‌تواند کار ساز باشد

پس از فراغت از تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه تهران در نیمه دوم سال ۸۵، دوران خدمت سربازی را تا مهرماه سال جاری در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران به عنوان مسئول کلاسها و برنامه ریزی آموزشی فعالیت می نمودم. پس از پایان دوران خدمت اکنون به عنوان مدیر نشر مکتوب کانون اندیشه جوان (وابسته به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) مشغول به فعالیت هستم

**از جمله اهداف مهم دانشگاه مذاهب اسلامی، ترویج و گسترش بحث تقریب است به نظر شما مطالعات تاریخی چگونه می تواند در گسترش این هدف زمینه ساز باشد؟**

همگرایی و واگرایی در تاریخ اسلام فراز و فرودهای زیادی داشته است آنچه که امروز به عنوان اختلاف می شناسیم در دیروز شکل گرفته است و مسائلی چون امامت، خلافت و ... پیش از آنکه مباحث کلامی و عقیدتی باشند، مباحث تاریخی اند.

برای رسیدن به وضعیت مطلوب در زمینه تقریب مذاهب اسلامی نیازمند راه کارهای علمی و دقیق هستیم و شناخت تلاش ها، راه کارها، موفقیت ها و ناکامی های پیشینیان در راستای همگرایی اسلامی مستلزم مطالعه تاریخی است.

برای رسیدن به وضعیت مطلوب در زمینه تقریب مذاهب اسلامی نیازمند راه کارهای علمی و دقیق هستیم و شناخت تلاشها، راهکارها، موفقیتها و ناکامیهای پیشینیان در راستای همگرایی اسلامی مستلزم مطالعه تاریخ است.

**- بفرمائید که پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد شما در مورد چه موضوعی بود و خلاصه ای از آن را توضیح دهید؟**

موضوع پایان نامه بنده «جامعه علویان ترکیه» بود با وجود آنکه علوی گری در ترکیه رابطه بسیار نزدیکی از نظر فرهنگی و سیاسی با صفویان دارد اما متأسفانه در کشور ما به اندازه کافی و شایسته مورد مطالعه قرار نگرفته است بطوری که تا کنون حتی یک کتاب مستقل در کشور ما به زبان فارسی در این زمینه به چاپ نرسیده است. گرچه بکر بودن موضوع حُسن آن بود اما مطالعه و تحقیق در چنین موضوعی بسیار سخت و دشوار بود چرا که از طرفی اکثر کتابهایی که در این زمینه نوشته شده بودند به زبان ترکی استانبولی و سایر زبانهای خارجی بود و از طرف دیگر این کتابها در دسترس نبودند. با انتخاب موضوع مذکور در کلاس های زبان ترکی استانبولی در سفارت ترکیه ثبت نام نموده و به فراگیری این زبان پرداختم. از طرف دیگر هر شب تا

نیمه های شب در اتاق دانشجویان ترکیه ای در کوی دانشگاه تهران حضور می یافتم و از آنها در ترجمه مقالات و کتابهای مورد نیاز کمک می گرفتم. اساتید محترم نیز کمک فراوانی در پیشبرد موضوع نمودند از اساتید دانشگاه مذاهب اسلامی نیز مزاحمتهای زیادی برای آقای دکتر اردوش فراهم نمودم که همینجا از ایشان مجدداً تشکر می نمایم. نهایتاً به لطف خدا و یاری اساتید و دوستان پایان نامه ای تحت عنوان «مقدمه ای بر شناخت جامعه علویان ترکیه از آغاز تا ۲۰۰۳ میلادی» فراهم گردید. علویان ترکیه در حال حاضر جمعیتی بیش از ۱۵ میلیون نفر را دارا می باشند. ریشه های تاریخی آنان به جنبش بابائیه در قرن هفتم هجری و به شخصی به نام حاجی بکتاش ولی انیشابوری [باز می گردد. آنان در واقع همان بکتاشیان کوچ نشین بودند که با شروع جنبش صفوی در آناتولی به آنان پیوسته و تحت عنوان قزلباش (بعدها علوی نام گرفتند) به حمایت از شاه اسماعیل صفوی پرداخته و او را در تشکیل حکومت یاری دادند. از آن زمان به بعد آنان مورد غضب امپراطوری عثمانی واقع شده و عثمانیان نیز برای جلوگیری از نفوذ سیاسی صفویان در آناتولی به سرکوب آنها پرداخت. علویان



نیز آرام ننشسته و هر از گاهی قیامهایی را در خاک عثمانی علیه آنها به راه می انداختند. با گسستی که به تدریج میان علویان آناتولی و صفویه به وجود آمد آنها مجبور شدند تا پایان دوره عثمانی در مناطق دور افتاده در خفا به سر برده و با تکیه بر تقیّه به حفظ سنتها و عقاید خود ادامه دادند، و در این مسیر دچار انحرافات فراوانی در عقاید و مبانی و آداب و سنن خود شدند. با اعلان جمهوریت توسط آتاتورک (که خود از بکتاشیان بود) دوران اختفای آنان به سر رسیده و به تدریج وارد صحنه سیاسی ترکیه شدند. گرایش به کمونیسم در دهه هفتاد میلادی و حمایت از احزاب چپ در دوره های مختلف انتخابات در ترکیه و ... از دیگر فعالیت های سیاسی آنان به شمار می رود. فقدان منابع مکتوب یکی از مهم ترین دلایل تشتت و یکدست نبودن جامعه مذکور می باشد به طوری که امروزه در ترکیه در میان علویان گرایشهای فکری مختلفی شکل گرفته که گاه در مقابل یکدیگر قرار می گیرند.

### - از خاطرات دوران دانشجویی در دانشگاه مذاهب اسلامی برایمان تعریف کنید؟

حضور در دانشگاه مذاهب سراسر خاطره است. کلاسها، خوابگاهها، حضور در بسیج دانشجویی، اردوها، همایشها، جشن پتوها، نمایشگاه ها و ... به جرأت می توانم بگویم که اگر روزی عزمی جزم شود می توان کتابی از خاطرات مذاهب نوشت.

ترم اول ورودمان به دانشگاه بود [سال ۱۳۷۸] و ما نخستین ساکنان خوابگاه شهید روانمهر بودیم که تازه خریداری شده بود. آسانسور خوابگاه خراب بود و اتاق ما در طبقه ششم چون تعداد پله ها زیاد بود و تمامی طبقات شبیه به هم، هنگام بالا رفتن فقط به رسیدن به اتاق فکر می کردیم نه چیزی دیگری. در کنار درب ورودی هر طبقه کاغذ کوچکی نصب شده بود که به روی آن شماره طبقه نوشته شده بود. روزی از پله ها بالا می رفتم تا اینکه به طبقه ششم رسیدم. احساس کردم که آن روز کمی زودتر از سایر روزها به اتاق رسیدم وقتی درب اتاق را باز کردم دیدم تعدادی از بچه های فقه شافعی در اتاق نشسته و مشغول نوشیدن چای هستند. هم آنها از ورود من به اتاق تعجب کردند و هم من از حضور آنها! اما آنها مرا

دعوت به نوشیدن چای کردند با خودم گفتم، عجب! بدون اجازه وارد اتاق شده اند و چه زود هم صاحبخانه شده اند! ناگهان متوجه جزئیات اتاق، تصاویر، چینش کمدها و ... شدم اینجا بود که فهمیدم عجب رودستی خوردم. بعضی از دوستان شماره طبقه پنجم و ششم را جا به جا کرده بودند و من به گمان اینکه به طبقه ششم رسیده ام وارد اتاق دوستان کرده مان شده بودم، عذر خواهی کرده و به اتاق خودم برگشتم.

### خاطره دوم:

در یکی از اردوهای جنوب (راهیان نور) برای صرف ناهار به رستورانی در وسط پارکی در خرمشهر رفتیم. هنگام خوردن ناهار دیدم دو تا بچه ۶ الی ۷ ساله با لباس بلند (دشداشه) در حالی که دستهایشان را پشت شیشه گذاشته اند، سعی می کنند داخل رستوران را تماشا کنند. دقایقی گذشت چون از نیروهای تدارکاتی اردو بودم چک می کردم که آیا تمام بچه ها غذا گرفته اند یا نه؟ پشت سرم را نگاه کردم دیدم زنده یاد غلام عباس یوسفی (ورودی ۷۷ رشته علوم قرآن از آمل) نیست. از درب رستوران بیرون آمدم گفتم شاید بیرون باشد، هنوز دور زدم تمام نشده بود که دیدم غلام عباس پشت رستوران در حالی که روی زمین نشسته بود غذای خود را جلوی آن دو کودک گذاشته بود و آنها مشغول خوردن غذا بودند. اخلاق و رفتار او را در خوابگاه هم دیده بودم او در سال چند ماه روزه می گرفت. بسیار با ادب و متین بود. متأسفانه غلام عباس در سال ۸۱ بر اثر بیماری سرطان خون در گذشت. روحش شاد و یادش گرامی باد.

در پایان ضمن تشکر از شما و نیز مسئولین محترم دانشگاه مذاهب اسلامی شایسته است یادی کنیم از عزیزان سفر کرده دانشگاه زنده یادان: غلام عباس یوسفی، محمد رضا افزا (ورودی ۷۷ فقه حنفی از بیرجند)، رسول بدخشان (ورودی ۸۱ از گنبد)، عبدالکریم صمدی (ورودی ۸۰ - تربت جام)، مهدی حسین زاده (ورودی ۷۸ فقه امامیه از فومن) و محمد قاسمی در میان (ورودی ۷۸ فقه حنفی از بیرجند)

روحشان شاد و یادشان گرامی باد.  
جهت شادی ارواح این دوستان فاتحه و اخلاصی را تقدیم نمایم.

برای رسیدن به وضعیت مطلوب در زمینه تقریب مذاهب اسلامی نیازمند راه کارهای علمی و دقیق هستیم و شناخت تلاشها، راهکارها، موفقیتها و ناکامیهای پیشینیان در راستای همکاری اسلامی مستلزم مطالعه تاریخ است